



کوتاه بتواند کار را به آخر برساند، به شرطی که توانایی هضم اتفاقات بازگو شده در روایت‌ها را داشته باشد. یکدستی نثر به معنای یکسانی لحن راویان نیست. برای مثال لحن کارمند سازمان حج با لحن مادر شهید محسن حاجی حسینی کارگر در روایت متفاوت است و این نشان از تسلط مولف بر زبان و لحن دارد. این کتاب یکی از آن دست آثار مستندنگاری است که بر یک واقعه متمرکز است. به عبارتی به جای شخص محور بودن، واقعه محور است. کاردانی می‌توانست سراغ یکی از حاضران برود و از دوران کودکی تا روزگار بعد از فاجعه با او گفت‌وگو کند و بعد از پیاده‌سازی کتابی را به ناشر بسپارد ولی او کار سخت را انتخاب کرده و سراغ افراد مختلف که گاهی دسترسی به آنها بسیار دشوار است رفته و روایت‌شان از فاجعه را در کتاب کنار هم قرار داده است. روایت‌هایی که هر کدام گوشه‌ای از یک حادثه را بازگو کرده‌اند تا در نهایت تصویر ماجر را به خواننده نشان دهند.

کتاب‌های مستندنگاری که اتفاق و رویداد محور باشند را کمتر سراغ داریم و اغلب کتبی است که شخص محور هستند و شاید برای موضوعاتی نظیر حمله تروریستی داعش به مجلس شورای اسلامی، آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو و... وجود چنین آثاری ضروری و مهم باشد. کاری که زهرا کاردانی به شایستگی درباره حادثه منا انجام داده و اینک در دسترس مخاطبان است.

به اثری سخت و طاقت فرسا می‌کند. مولف کوشش نکرده که از خواننده اش اشک در بیاورد ولی آن قدر اتفاقات تکان دهنده و باورنکردنی است که هر کسی در موقعیت روایت قرار می‌گیرد بی‌شک طاقتش تمام می‌شود و اشکش روان. آنهایی که اتفاقات را از دریچه رسانه‌های مکتوب و تصویری دنبال می‌کردند در مواجهه با این کتاب چیزهایی می‌بینند که در رسانه‌ها به چشم نمی‌آمد. کاردانی در روایت‌هایی که کنار هم قرار داده تا اتفاق «خیابان ۲۰۴» را بازسازی کند سعی نکرده سراغ روایت رسمی یا روایتی که مورد پسند گروهی است برود و برای همین تنوع حرف‌ها و نکات در این کتاب چشمگیر است. به همین خاطر هر کسی می‌تواند نتیجه متفاوتی بگیرد و برداشت خودش را از حادثه داشته باشد؛ این یک ویژگی مثبت برای کتاب «خیابان ۲۰۴» است که دنبال اثبات یک نظریه نبوده و فقط روایت‌ها را بازتاب داده است. زبان اثر زبان یکدستی است. این در حالی است که راویان مختلفی در کتاب حضور دارند ولی نویسنده تلاش کرده زبان یکدستی به کار بدهد تا خواننده در ارتباط‌گیری با متن دچار مشکل نشود. نثر روان و بدون سگته سبب می‌شود خواننده در نشستی



نویسنده:

زهرا کاردانی

انتشارات:

سوره مهر

۲۳۷ صفحه

۳۵۰۰۰ تومان

مروری بر یک مستندنگاری از فاجعه‌ای که چیز زیادی از آن نمی‌دانیم

یک خیابان خون!



حسام آف‌نوس

دبیر قفسه

هم قرار داده و اثری که می‌توان از آن دفاع کرد را خلق کرده است. کتابی که می‌توان آن را یک مستندنگاری به معنای دقیق کلمه خواند. کاردانی در روایتش تا جایی که امکان داشته خود را کنار گذاشته و فقط راوی را نشان داده و از این حیث کتابش می‌تواند دایره مخاطبان بسیاری را در بر بگیرد. زیرا خواننده اثری از مولف در کتاب نمی‌بیند و بی‌واسطه با راوی و اتفاق روبه‌رو می‌شود. حتی او تلاش نکرده موضع خود را به مخاطب انتقال دهد. به همین خاطر ما در کمتر جایی از کتاب اثری از رد پای کاردانی می‌بینیم و این نشان می‌دهد او به اهمیت این نکته پی برده و سعی کرده از حضور در متن خودداری و زمینه برای دیده شدن راوی و روایتش را فراهم کند.

افراد حاضر در دل حادثه و شاهدان ماجرا اولین گروهی هستند که در این کتاب با روایت آنها روبه‌رو می‌شویم. کسانی که برخی حتی خود را برای رویارو شدن با مرگ آماده کرده بودند ولی مقدر نبوده که در آن روز به دیدار حق بروند تا

امروز راوی آن روز باشند. دسته دیگر کسانی هستند که در آن روز در سرزمین منا حضور داشته و یکی از عزیزان‌شان را در آن ازدحام از دست دادند. آنها خود در دل حادثه نبودند ولی از دور نظاره‌گر فاجعه بودند و در نهایت عزیزی را از دست دادند. گروه سوم کسانی هستند که از دقایقی بعد از فاجعه عملیات تفحص پیکرها را برعهده داشتند و مدتی بعد هم در عربستان ماندند تا تکلیف بدن‌های شناسایی نشده را روشن کنند و به کشور بازگردند. گروه چهارمی که در «خیابان ۲۰۴» روایت‌شان را می‌خوانیم کسانی هستند که در زمان حادثه در ایران بودند و از طریق اخبار اتفاقات را دنبال می‌کردند و عزیزی را در حادثه از دست داده بودند.

جزئیات این کتاب تکان دهنده است. روایت حاضران در صحنه آنقدر ملموس است که این کتاب را تبدیل

فاجعه منا برای بسیاری از ما حالا تبدیل به خبر تلخ بزرگ و ماندگاری شده و که جزئیات زیادی از آن نمی‌دانیم. این به معنای آن نیست که نمی‌خواهیم بدانیم بلکه به این خاطر است که چیز بیشتری غیر از محتوای رسانه‌ای که در زمان حادثه منتشر شد موجود نبود و ما هم مصرف‌کننده محتوای رسانه‌ای بودیم. این خاصیت محتوای رسانه‌ای است که سیری کاذب ایجاد می‌کند. یعنی ما فکر می‌کنیم با خواندن چند گزارش، تحلیل، خبر و نهایتاً تماشای گزارش تصویری (با رویکرد خبری) از یک رویداد آگاهی پیدا کرده‌ایم و دیگر نیازی نیست چیز بیشتری درباره آن بخواهیم.

پنج سال از حادثه منا می‌گذرد ولی اگر امروز نه سراغ عموم، بلکه طیف اصطلاحاً نخبه جامعه برویم اطلاعات زیادی از آن در خاطر‌شان نیست جز همان تصویر معروف پیکرهای چیده شده کنار هم در یک خط ممتد و کانتینرهای حمل شهدا و... در این بین عموم مردم حتی ممکن است سال اتفاق را نیز در خاطر نداشته باشند و فقط تصویر محوی از آن را در میان تصاویر بسیاری که رسانه‌های مختلف به صورت روزانه نشر می‌دهند در ذهن داشته باشند. حتی اگر به این حرف‌ها اعتقاد ندارید بد نیست امتحان کنید و از یک نفر بپرسید فاجعه منا در چه سالی رخ داده است؟ جواب او احتمالاً قانع‌تان نکند! اهمیت آثار مستندنگاری در شرایطی که رسانه‌ها محتوای تاریخ مصرف‌دار تولید می‌کنند بیشتر نمایان می‌شود. حتی شاید مصاحبه‌ها و گزارش‌های مستند رسانه‌ای هم آن قدر که آثار با پایه مستندنگاری تولید می‌شوند، ماندگاری نداشته باشد. آثاری که بدون جانبداری سراغ مساله رفته باشند و روایت آنچه اتفاق افتاده را بازگو کنند. روایتی که در آن معمولاً اتفاقات از زاویه شاهد عینی بازگو می‌شود و مخاطب بعد از مشاهده روایت‌ها می‌تواند نتیجه‌گیری کند.

زهرا کاردانی که با کتاب «زن آقا» شناخته می‌شود، دست به کار مهمی زده و کتاب «خیابان ۲۰۴» روایت یک فاجعه را تالیف کرده است. کتابی که در آن با چهار گروه از کسانی که در فاجعه منا حضور داشته‌اند یا متأثر از آن بوده‌اند به گفت‌وگو نشسته و حاصل گفت‌وگوها و مصاحبه‌هایش را در این کتاب کنار

آگهی نوبت اول دعوت از بستانکاران و بدهکاران شرکت ورشکسته درریس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۰۲ شهرکرد

- ۱ بدینوسیله به افراد حقیقی و حقوقی اعم از بستانکاران، بدهکاران و کلیه اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت مذکور را در اختیار دارند ابلاغ می‌گردد شرکت درریس به شماره ثبت ۱۳۰۲ طی دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۳۸۱۰۴۰۰۲۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۹ صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شهرکرد با تاریخ توقف ۱۳۹۳/۰۴/۰۹ ورشکسته اعلام شده است
- ۲ در اجرای مواد ۴۶۲، ۴۵۷، ۴۷۳ قانون تجارت جلسه بستانکاران در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۸ در محل مرکز کارشناسان قوه قضاییه به نشانی: شهرکرد، خیابان ۱۷ شهریور، روبروی پمپ بنزین، ساختمان بانک کشاورزی، طبقه ۳، مرکز کارشناسان رسمی قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.
- ۳ از کلیه بستانکاران و اشخاصی که هر گونه ادعایی نسبت به شرکت فوق دارند تقاضا می‌شود اسناد طلب خود یا سواد مصداق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌کند ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشر این آگهی به دفتر مدیر تصفیه واقع شهرکرد خیابان ۱۷ شهریور روبروی پمپ بنزین ساختمان بانک کشاورزی طبقه ۳ مرکز کارشناسان رسمی قوه قضاییه تسلیم نمایند (مدت ارسال مدرک برای بستانکارانی که در کشور بیگانه اقامت دارند سه ماه می‌باشد)
- ۴ اشخاصی که به شرکت نامبرده بدهی دارند باید ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشر آگهی نسبت به معرفی خود و واریز مبلغ بدهی فیش واریز را به مدیر تصفیه ارائه نمایند. بدیهی است متخلفین از این وظیفه به موجب ماده ۴۵۷ قانون تجارت به پرداخت جریمه نقدی معادل ۲۵ درصد دین محکوم می‌شوند.
- ۵ کلیه اشخاصی که به هر عنوان اموال ورشکسته را در دست دارند می‌بایست ظرف دو ماه مذکور عین اموال را مطابق ماده ۴۷۳ قانون تجارت در اختیار مدیر تصفیه بگذارند.

برگ کمپانی و وکالت محضری
موتورسیکلت آپاچی مدل ۹۴
شماره تنه N2G***150J9415215
شماره موتور C1B5096534 مفقود
گردیده و فاقد اعتبار است.